



از سال ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل هر ساله ۱۵ ماه می را به عنوان «روز جهانی خانواده» اعلام می‌کند. این روز بهانه‌ای است در عرصه بین‌المللی که به موضوع خانواده پرداخته شود و از منظرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و جمعیتی، موضوع خانواده محور توجه قرار گیرد. هدف از گرامیداشت این روز، اهمیت جوامع جهانی به خانواده به عنوان اصلی‌ترین رکن جامعه و برطرف کردن مواردی است که در دنیای امروز این کانون گرم زندگی را تهدید می‌کند.

علاوه بر آن، روز جهانی خانواده فرصت مناسبی است برای ارتقای سطح آگاهی عمومی در مورد مسائل مربوط به خانواده و بسط آن در جوامع مختلف.

در ایران اسلامی نیز همچون دیگر کشورهای جهان، دولت و مردم با گرامیداشت این روز حمایت خاص خود را از کانون گرم خانواده اعلام می‌دارند.

روز جهانی خانواده فرصتی را برای ارتقای آگاهی از مسائل مربوط به خانواده‌ها و افزایش دانش فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی که بر آنها تاثیر می‌گذارد فراهم می‌آورد.

خانواده، مناسب ترین نظام برای تأمین نیازهای روحی و معنوی بشر است و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم می آورد. در عصر حاضر، با اثرپذیری از تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی، در بیشتر جوامع، مشکلات متعددی برای خانواده پدید آمده است. اختلاف های خانوادگی، طلاق، فرزندان بی سرپرست و بزه کاری نوجوانان و جوانان، نشان دهنده مشکلات اساسی در خانواده های عصر ماست.

اهمیت خاص دین مبین اسلام به خانه و خانواده و نگاه جدید دولتمردان به مشکلات و مسائل مربوط به خانواده راهکارهای مفیدی را در این زمینه به دنبال داشته است.

خانواده، اگرچه کوچک ترین واحد اجتماعی است، در عین حال، بزرگ ترین و اثرگذارترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می آید، به گونه ای که می تواند منشأ تحول فردی و اجتماعی و رشد ارزش های انسانی در میان اعضای آن باشد. از همین رو، سرمایه گذاری و توجه هرچه بیشتر به این نهاد مقدس، در شمار وظایف پیامبران و پیشوایان ادیان قرار گرفته است. در همین راستا، رسول گرامی اسلام (ص) تشکیل خانواده را به منزله حفظ نیمی از ایمان بیان می کند.

نهاد خانواده در همه جوامع به عنوان مهمترین پایگاه انتقال عناصر فرهنگی، عقاید، آداب، دانش ها و مهارت ها به نسل جدید معرفی شده است. زیرا خانواده از یک سو زمینه ساز شکوفایی استعدادها و رشد جسمی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و عقلانی کودکان و نوجوانان است و از سوی دیگر، عامل موثری در در شکل گیری ارزش ها، ایجاد فرهنگ و تمدن بشری به شمار می آید. لذا صاحب نظران تعلیم و تربیت، نهاد خانواده را موثرترین نهاد برای آموزش و پرورش غیر رسمی و اولین فضای مساعد برای ایجاد عادات مناسب تربیتی می دانند. در همه جوامع، خانواده مسئول حفظ نسل و اجتماعی کردن فرزندان است و ایجاد محیط مانوس و صمیمی و با مهر و محبت به عهده خانواده است.

جان دیویی، فیلسوف معتقد است: «تداوم جامعه انسانی تنها با انتقال مداوم آرمان ها و عادات آن از نسلی به نسل بعد امکان پذیر می شود.» آموزش و پرورش به معنای وسیع آن، وسیله این تداوم اجتماعی حیات است.

خانواده مطلوب : اگر گام نخست در تشکیل خانواده سنجیده برداشته شود؛ یعنی افراد در انتخاب همسر، معیارهای ارزشی، اخلاقی و ایمانی را در نظر بگیرند، سیر حرکتی خانواده به سوی تشکیل خانواده ای مطلوب خواهد بود. خانواده مطلوب، خانواده ای است که پدر و مادر گاه گاه برای فرزندان تنها گوش باشند و هنر شنیدن را در خود تقویت کنند. در این صورت می توانند هرچه بیشتر به دنیای فرزندان خود نزدیک شوند و بر آن اثر بگذارند. این گروه، خانواده را بر اساس شاخص های والای معنوی بنیان نهاده و کانونی ساخته اند که حضور در آن، هم برای پدر و مادر لذت بخش است و هم برای فرزندان بهترین پناه گاه به شمار می رود. این خانواده کانونی خواهد بود برای پرورش نسل آینده و محلی برای انتقال درست ارزش ها و فرهنگ های گذشته، تا هیچ گاه فرزندان، خود را بدون هویت ندانند و از پیشینه خود دور نشوند.

اهمیت خانواده در دوران کودکی: نوزاد، نخستین تعامل خود با محیط را در خانواده آغاز می کند. در این کانون اولیه، نخستین اثرگذاری و اثرپذیری آغاز می شود و کودک اندک اندک در فرآیند رشد اجتماعی قرار می گیرد. به نظر روان شناسان، سال های اولیه کودکی، در رشد شخصیت و آینده او نقشی بسزا دارد. بیشتر شناخت های کودک از خود، اطرافیان و محیط نیز در این دوران شکل می گیرد. میزان سلامت جسمانی و روانی کودک، بسته به ارتباطی است که خانواده با وی دارد و اینکه تا چه حد تلاش می کند نیازهای او را برآورده سازد. کودکانی که در این سال ها از نظر عاطفی و امنیتی در خانواده تأمین نمی شوند، به انواع سختی ها دچار می گردند. مشکل این کودکان، بیشتر با شیطنت ها، دروغ گویی ها و حرف نشنیدن های ساده آغاز می شود و با توجه به وضع نابسامان خانواده، به بزه کاری ها و جنایت های دوران بزرگ سالی می انجامد.

خانواده مطلوب : اگر گام نخست در تشکیل خانواده سنجیده برداشته شود؛ یعنی افراد در انتخاب همسر، معیارهای ارزشی، اخلاقی و ایمانی را در نظر بگیرند، سیر حرکتی خانواده به سوی تشکیل خانواده ای مطلوب خواهد بود. خانواده مطلوب، خانواده ای است که پدر و مادر گاه گاه برای فرزندان تنها گوش باشند و هنر شنیدن را در خود تقویت کنند. در این صورت می توانند هرچه بیشتر به دنیای فرزندان خود نزدیک شوند و بر آن اثر بگذارند. این گروه، خانواده را بر اساس شاخص های والای معنوی بنیان نهاده و کانونی ساخته اند که حضور در آن، هم برای پدر و مادر لذت بخش است و هم برای فرزندان بهترین پناه گاه به شمار می رود. این خانواده کانونی خواهد بود برای پرورش نسل آینده و محلی برای انتقال درست ارزش ها و فرهنگ های گذشته، تا هیچ گاه فرزندان، خود را بدون هویت ندانند و از پیشینه خود دور نشوند.

اهمیت خانواده در دوران کودکی : نوزاد، نخستین تعامل خود با محیط را در خانواده آغاز می کند. در این کانون اولیه، نخستین اثرگذاری و اثرپذیری آغاز می شود و کودک اندک در فرآیند رشد اجتماعی قرار می گیرد. به نظر روان شناسان، سال های اولیه کودکی، در رشد شخصیت و آینده او نقشی بسزا دارد. بیشتر شناخت های کودک از خود، اطرافیان و محیط نیز در این دوران شکل می گیرد. میزان سلامت جسمانی و روانی کودک، بسته به ارتباطی است که خانواده با وی دارد و اینکه تا چه حد تلاش می کند نیازهای او را برآورده سازد. کودکانی که در این سال ها از نظر عاطفی و امنیتی در خانواده تأمین نمی شوند، به انواع سختی ها دچار می گردند. مشکل این کودکان، بیشتر با شیطنت ها، دروغ گویی ها و حرف نشنیدن های ساده آغاز می شود و با توجه به وضع نابسامان خانواده، به بزه کاری ها و جنایت های دوران بزرگ سالی می انجامد.

آسیب شناسی خانواده : یکی از بزرگ ترین مشکلات اجتماعی در جامعه کنونی، دعوای خانوادگی است که ارکان خانواده را سست می کند و سلامت روانی اعضای آن را به خطر می اندازد. آسیب ها و ستیزه های خانوادگی، پدیده ای بسیار پیچیده و چند وجهی است که باید آن را از دیدگاه های گوناگون روانی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و ارتباطی بررسی کرد. شاید همان گونه که زندگی هر انسان، یکتا و منحصر به فرد است، زندگی مشترک هر زوج جوان نیز منحصر به خودشان باشد. با وجود این، پرداختن به موضوع آسیب شناسی خانواده برای دست یافتن به راهبردهای پیش گیری، یکی از مهم ترین مسائل ضروری آموزش خانواده است؛ زیرا بدون شناخت عوامل، دست یابی به راه های درمان امکان پذیر نخواهد بود. سخن از آسیب شناسی خانواده، سخن از عواملی است که بهداشت روانی خانواده و ازدواج را تهدید می کند.

طلاق: نبود عشق در زندگی زناشویی در کنار دیگر عوامل، زمینه ساز پدیده طلاق است. آثار ویران گر طلاق، برای زوجین و فرزندان بسیار چشم گیر است. بالا بودن گرایش به طلاق و دعوای دامنه داری که روزگاری همراه با تلخ کامی را برای تمامی اعضای خانواده رقم می زند، در این زمینه تأمل برانگیز است. نکته مهم این است که به دلایل گوناگون، شمار اندکی از زندگی های مشترک در جامعه ما به طلاق می انجامد، ولی نبود عشق که به نسبت ها و شدت های گوناگون نمود پیدا می کند، جلوه های بسیار متفاوتی می تواند بیابد که دل زدگی در روابط زناشویی و نارضایتی از زندگی مشترک، نمونه آن است. به هر حال، برآورده نشدن نیازهای عاطفی افراد، ساختار زندگی مشترک را بسیار سست می سازد و زمینه را برای از هم گسستن پیوند آماده می کند.